سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. نیاز قرآن به مبیّن، از بدیهیات است و نیاز به دلیل ندارد. آفتاب آمد دلیل آفتاب. ساده‌ترین شاهد آن وجود صدها تفسیر قرآن با گرایش‌های مختلف مفسّران است؛ خواه آنچه شفاهی عرضه شده و خواه آنچه به شکل مکتوب بر جای مانده است.

در این میان ده‌ها نوشتار یا گفتار تفسیری، از آنِ قرآن بسندگانی است که در مقام بحث نظری، قرآن را بی‌نیاز از تفسیر و تبیین دانسته و می‌دانند، اما در عمل، آن همه برای توضیح معانی قرآن رجوع به این و آن منبع یا بیان خود را ضروری می‌دانند. برای نقض مدعای آنها همان نوشتارها و گفتارهای تفسیری کفایت می‌کند.

۲. اگر قرار است تمام دیدگاه‌های تفسیری را ارج نهیم و بشنویم و از آنها بهره بگیریم و به آنها توجه نشان دهیم، چرا سخنان پیامبر خدا را نشنویم و پی نگیریم؛ جایگاه کلام پیامبر خدا بر همگان روشن است؛ بگذریم از اندک شماری که با بیان‌هایی همچون تفکیک بین جایگاه نبوت با رسالت یا تفکیک بین جایگاه فردی با اجتماعی و مطالبی از این دست، سخنان حضرتش را چند قسم می‌دانند و فقط برخی از این اقسام را لازم الاتباع می‌شمارند.

ولی نظر غالب افراد امت اسلام، ضرورت عقلی و نقلی تبعیت از آموزه‌هایی است که به طریق معتبر و مقبول به حضرتش می‌رسد. اطلاق آیاتی مانند «ما ینطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی» (نجم، ۳ و ٤) و «ما آتاکم الرسول فخذوه» (حشر، ۷) و مانند آنها، راه را بر چنان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.1.8]

جداسازی‌هایی می‌بندد.

۳. پس از پیامبر، نوبت به تبیین ائمهٔ هدی می‌رسد. به همان دلیل عقلی باید سخنشان را شنید و پی گرفت، چه برای گروهی که آن گرامیان را امام معصوم و می‌دانند و حق «فرض الطاعة» را برایشان قائل‌اند، و چه گروهی که فقط «مرجعیت علمی» را حقّ آن بزرگواران می‌دانند. فراتر از آن، حتی برای آنها که در مرجعیت علمی اهل بیت تردید دارند، سخن اهل بیت، گرچه به عنوان کلامی که گوینده‌اش ناشناس باشد، به عنوان یک دیدگاه تفسیری، غالباً گره‌گشا است.

٤. تا اینجا به نظر نمی‌رسد که میان خردباورانی که به حکم عقل گردن می‌نهند، اختلافی باشد. حتی با نگاه برون دینی منطق یادشده پذیرفتنی می‌نماید. اما تفسیر مأثور در عمل با چالش‌هایی روبرو شده که البته دانشوران پارسا گامهایی برای حلّ آن برداشته‌اند، ولی ادامه یافتنِ گفت و گو بر سرِ آن نشان می‌دهد که هنوز مطلب به طور کلی – دست کم برای شماری از مخاطبان – روشن نشده است. از جمله مباحثی که در پی می‌آید:

یکم. نیاز قرآن به مبیّن، با «مبین» دانستن قرآن چگونه قابل جمع است؟

دوم. آیا فصاحت و بلاغت قرآن، این کتاب را از نیاز به تبیین مستغنی می‌دارد؟

سوم. کتابی که برای مردم نازل شده، آیا فهم آن وابسته به بیان عده‌ای محدود است؟

چهارم. آیا وابستگی فهم کتاب به تبیین مبیّن، حجیت کتاب را خدشه‌دار می‌کند؟

پنجم. می‌دانیم که قرآن پشتوانهٔ اعتبار حدیث است. از سوی دیگر در تبیین کتاب به حدیث رجوع می‌شود. جمع بین این دو رویکرد چگونه شدنی است؟

ششم. اساساً مراد از قرآن، فقط ظاهر الفاظ موجود در مصحف است یا همین الفاظ بعلاوهٔ تبیین آن توسط پیامبر و خاندانش؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.1.8]

هفتم. همراهی قرآن با مبین معصوم، فقط خاستگاه نقلی دارد یا توسط عقل نیز قابل تبیین است؟ و ارتباط آن با خاتمیت رسول گرامی چیست؟

هشتم. آیا رجوع به مبیّن به معنای بی‌توجهی یا کم‌توجهی به قرآن است؟

۵.به نظر ما، همه این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر در این زمینه پاسخ مناسب دارند و بیشتر آنها در منابع مربوط – گرچه به شکل پراکنده – مطرح شده است؛ چنانکه در شماره‌هایی از سفینه که با این مباحث ارتباط دارد، به آنها توجه شده است. ولی از این واقعیت نیز نباید غفلت کرد که پرسش جدید پاسخ جدید می‌طلبد. پرسش‌های کهنه نیز، آنگاه که جامهٔ نو می‌پوشند و در زمان نو سر بر می‌آورند، علاوه بر پاسخ جدید، به بازگوییِ پاسخ‌های پیشین، البته با روزآمد سازی، نیاز دارند.

یکی از پیامدهای فضای باز اطلاعاتی امروز، محوریت پرسش‌گری و پرسش‌گروی است که غالباً بر پایهٔ مطالعات پیشین نیست، بلکه بیشتر شتاب زده و برای عقب نماندن از امواج رسانه‌ای است. یعنی اگر اندکی بیندیشند یا به منابع موجود رجوع کنند، جواب سؤال خود را می‌یابند، ولی شتابناکیِ جریان رسانه‌ای مانع از چنین تأمّلاتی می‌شود؛ گویی همگان واهمه دارند که فرصت سخن گفتن را از دست بدهند! با این همه، پاسخ‌گوییِ روزآمد، نیاز همیشگی است، تا آن زمان که انسان هست و می‌اندیشد و می‌گوید و می‌جوید.

٦. در سطور گذشته اشاره شد که نیاز رجوع به بیان رسول خدا و ائمهٔ هدی، منحصر به شیعیان نیست، بلکه غیر شیعه نیز، از موضع «مرجعیت علمی» باید به این سخنان توجه کنند.

اکنون می‌افزاییم که حتی غیرمسلمانان نیز به پیگیری آموزه‌های تبیین قرآن توسط معصومان نیاز دارند؛ چه آن گروه که منصفانه در پی شناخت اسلام هستند، و چه گروهی که تعمداً با این دین مبین سرِ جنگ دارند. به هر حال، مقدمه‌ای که واجب عقلی است، این است که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.1.8]

باید موضوع و مخاطب را درست بشناسند، وگرنه هیچ یک از خواسته‌ها عملی نمی‌شود؛ نه شناخت اسلام تحقق می‌یابد و نه مقابله با آن.

قرآن در این دیدگاه، با چشم‌پوشی از آسمانی بودن آن، در حد یک کتاب تمدن‌ساز مطرح است که امروز بر بخشی از فرهنگ مردم امروز مؤثر است، یا به واقع یا در حدّ ادعا. اما تا زمانی که مورد ادعای مخاطب را نشناسند، چگونه بتوانند در بارهٔ آن سخن بگویند، با انصاف یا بدون آن؟

۷. خداوند متعال، در بارهٔ قرآن دو شأن را برای خود قائل است: یکی قرائت و دیگری تبیین. فرمود: «فإذا قرأناه فاتبع قرآنه، ثم إن علینا بیانه» (قیامة، ۱۸ و ۱۹).

خدای حکیم، این دو شأن را، در شمار دیگر شؤون هدایتی به سفیر و پیام‌آور خود سپرد؛ در مورد قرائت آن فرمود: «یتلو علیهم آیاته» (جمعه، ۲) و در مورد شأن تبیین فرمود: «لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم» (نحل، ٦٤).

رسول خدا نیز این شؤون را برای دوره‌های زمانی پس از خود، به جانشین راستین خود، حضرت علی مرتضی سپرد؛ که فرمود: «یبیّن لهم ما اختلفوا فیه من سنتی» (امالی صدوق، ص ۱۲٦، مجلس ۲٦).

این همه را تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که چگونه نبیّ و وصیّ وظیفهٔ خود را ادا کردند و این رایت هدایت را به امامان پس از خود سپردند، و آنان نیز...

۸. امروز این لوای ولا در دستان آخرین جانشین پیامبر و وارث کمالات الهی اوست؛ یعنی امام عصر عجل اللّه فرجه؛ که در سلام به محضرش، با اشاره به هر دو شأنی که نیای والایش در باب قرآن دارد، می‌گوییم: «السلام علیک حین تقرأ و تبیّن» (احتجاج، ج ۲ ص ٤۹۳).

درود خدا بر لحظه لحظهٔ عمر نورانی حضرتش باد؛ و دست عنایتش از سر دوستدارانش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.1.8]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.1.8]
[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

کوتاه مباد. آمین.